

## پژوهشهای جهانی در باب آراء و آثار ابن سینا

دکتر مهدی علائی حسینی\*  
استادیار دانشگاه پیام نور مرکز مشهد

### چکیده:

می دانیم که دوره طلایی اسلام از حیث شدت و قوت حیات دینی و روحی و تحقق یافتن کامل مطلوبهای آن ، همان دوره است که با حیات پیامبر (ص) ، و ایام استقرار این دین در مدینه مقارن بوده است . ولی درست برسان تخمی که کشته می شود و از آن درختی بر می آید و پس از گذشت زمان و تغذیه کردن از زمین مناسب به بار می نشیند ، درخت تمدن اسلامی نیز ، چندین قرن پس از کاشته شدن تخم آن به بار نشست و میوه های هنری و عقلی آن آشکار شد و د طی این قرون ، تمدنهای گذشته ای که اسلام وارث آنها شده بود ، مایه رشد و تغذیه آن درخت بود.

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا که در سال ۳۷۰ ق / ۹۸۰ م در بخارا به دنیا آمد ، یکی از میوه های شاداب این درخت تناور بود . مردی که بزودی به عنوان مؤثرترین چهره در علم فلسفه جهان اسلامی شناخته شد و القابی مانند شیخ الرئیس ، حجة الحق و شرف الملک به او دادند. دانشمندی که در تاریخ کلی فلسفه اسلامی معمولا پس از فارابی سخن از او بمیان می آید که چهره برجسته پس از فارابی در این مکتب است.

عده تألیفات ابن سینا به ۲۵۰ بالغ می شود و تقریباً مشتمل بر همه موضوعاتی است که در قرون وسطی می شناخته اند . فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا توسط آقای دکتر یحیی مهدوی در سال ۱۳۳۲ ش در تهران منتشر شده است . شادروان سعید نفیسی

نیز کتابشناسی آثار نوشته شده به زبانهای اروپائی درباره ابن سینا را از آغاز چاپ تا سال ۱۹۵۳ در سال ۱۳۳۲ ش در تهران منتشر کرده است و در همین زمینه کتابهایی به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، ایتالیایی و دیگر زبانها موجود است و بطور کلی نوشته های پژوهشی به زبانهای زنده دنیا درباره ابن سینا فراوان است و در این مقاله کوشش شده است حدود ۴۰ مجلد کتابها و آثاری که بعد از سال ۱۹۵۳ م و تا پایان قرن بیستم درباره ابن سینا در جهان منتشر شده است، ارائه و عرضه گردد و در باب هر یک و محتوای آنها تا حد امکان توضیحاتی ذکر شود.

کلید واژه: ابن سینا، طب اسلامی، فلسفه اسلامی، مابعد الطبیعه

## مقدمه :

می دانیم که : ”دوره طلایی اسلام ، از حیث شدت وقوت حیات دینی و روحی و تحقق یافتن کمال مطلوبهای آن ، همان دوره است که با حیات پیامبر (ص) ، و ایام استقرار این دین در مدینه مقارن بوده است . ولی درست برسان تخمی که کشته می شود و از آن درختی بر می آید و پس از گذشت زمان و تغذیه کردن از زمین مناسب به بار می نشیند ، درخت تمدن اسلامی نیز ، چندین قرن پس از کاشته شدن تخم آن به بار نشست و میوه های هنری و عقلی آن آشکار شد و ، در طی این قرون ، تمدنهای گذشته ای که اسلام وارث آنها شده بود ، مایه رشد و تغذیه آن درخت بود . تنها پس از آنکه جامعه اسلامی استحکام یافت ، و نیز تنها پس از آنکه آثار وحی اسلامی چنان به صورت مجسم و ملموس در آمد که بتواند - علی رغم عناصر غیر اسلامی وارد شده در آن - رنگ مشخص اسلامی بدهد ، آری تنها در این زمان بود که علم و ادب و فلسفه به اوج کمال خود رسید“ (سید حسین نصر ، ۱).

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا که در سال ۳۷۰ ق / ۹۸۰ م در بخارا به دنیا آمد ، یکی از میوه های شاداب این درخت تناور بود . مردی که بزودی به عنوان موثرترین چهره در علم و فلسفه اسلامی شناخته شد و القابی مانند شیخ الرئیس ، حجه الحق و شرف الملک به او دادند . دانشمندی که در تاریخ کلی فلسفه اسلامی ، معمولاً پس از فارابی سخن از او به میان می آید که چهره برجسته پس از فارابی در این مکتب است.

عده تالیفات ابن سینا ، که اگر رساله های کوچک و نامه ها را نیز به شمار بیاوریم ، به ۲۵۰ بالغ می شود و تقریباً مشتمل بر همه موضوعاتی است که در قرون وسطی می شناخته اند ، یعنی فلسفه ، حکمت ، منطق ، علم النفس ، جهان شناسی ، مابعدالطبیعه ، آثار رمزی و تمثیلی و باطنی ، تالیفات مربوطه طبیعیات ، نجوم ، ریاضی ، کاینات جو ، زبان شناسی ، موسیقی و بالاخره پزشکی و طب که کتاب مشهور وی قانون ، شاید موثرترین کتاب در تاریخ طب از هزار سال پیش تا کنون باشد . فهرست مصنفات ابن سینا - نسخه های بدست آمده - توسط آقای دکتر یحیی مهدوی در سال ۱۳۳۲ در تهران منتشر شده است و G . G Anawati در سال ۱۹۵۰ میلادی کتابی با عنوان: *Essai de bibliographie Avicenne* در قاهره در این باب منتشر

کرده است. شادروان سعید نفیسی نیز، کتابشناسی آثار نوشته شده به زبانهای اروپائی را از آغاز چاپ تا سال ۱۹۵۳ میلادی با عنوان .

### **Bibliographie des principaux Travaux Européenes sur Avicenne.**

جزو انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ منتشر کرده و در همین زمینه کتابهایی به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، ایتالیائی و دیگر زبانها موجود است و بطور کلی نوشته های پژوهشی به زبانهای زنده دنیا درباره ابن سینا فراوان است و در این مقاله کوشش شده است بیشتر مشخصات گزیده کتابها و آثاری که بعد از سال ۱۹۵۳ میلادی و تا پایان قرن بیستم درباره ابن سینا در جهان چاپ و منتشر شده است، ارائه و عرضه گردد و درباب هر یک و محتوای آن تا حد امکان توضیحاتی ذکر شود. البته آثار مهم و به یاد ماندنی پیش از سال ۱۹۵۳ میلادی نیز توجه شده و از مشخصات آنها بمناسبت ذکری بمیان آمده است.

#### **پژوهشهای مهم جهانی:**

بطور کلی تاریخهای عمومی فلسفه اسلامی که تقریباً همه به تاریخ فلسفه مشائی محدود است، فصلهایی مخصوص کندی و فارابی با اشاراتی به آراء ابن سینا دارند. از جمله:

#### **History of philosophy in Islam**

تالیف Tj. de Boer که توسط E.R.Jones در سال ۱۹۶۱ میلادی به زبان انگلیسی ترجمه شده و در لندن انتشار یافته است. همچنین کتابهایی با مشخصات زیر:

- **La Philosophie Arabe dans l'Europe médiévale, G. Quadri, Paris 1947.**
- **Mélanges de philosophie juive et arabe, S.Munk, Paris 1859.**
- **Die islamische und juische philosophie des Mittelalters, Goldziher, Lipzic, 1909.**

در مجله **Die kultur der Gegenwart:** دوره اول، شماره ۵، لایبزیگ، ۱۹۰۹.  
 رینولد ۱. نیکلسون نیز در کتابی با عنوان: **The Idea of personality in Sufism** - "فکر شخصیت در تصوف" که با عنوان "تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا" توسط آقای دکتر شفیعی کدکنی در سال ۱۳۷۲ ترجمه و چاپ شده است، درباب آراء ابن سینا مطالبی را بیان کرده است.

"حنا الفاخوری " خلیل و الجر" در کتاب : "تاریخ الفلسفه العربیه"، چاپ چهارم ، ۱۹۸۵ ، قاهره ، فصلی را به آراء و آثار ابن سینا اختصاص داده اند . این کتاب با عنوان " تاریخ فلسفه در جهان اسلامی " توسط آقای دکتر عبدالمحمد آیتی در سال ۱۳۶۷ ترجمه و چاپ شده است.

دکتر سید حسین نصر در سال ۱۹۶۴ میلادی کتابی با عنوان " : **Three Muslim Sages** جزو انتشارات دانشگاه هاروارد منتشر کرده و فصلی از آن را به تحلیل آراء و آثار ابن سینا اختصاص داده است . این کتاب با ترجمه مرحوم احمد آرام با عنوان "سه حکیم مسلمان " در سال ۱۳۴۵ در تهران ترجمه و چاپ شده است.

دو کتاب دیگر نیز با مشخصات زیر که تحلیلیها و اشاراتی درباب آراء و آثار ابن سینا دارد

، قابل ذکر است:

- Gardet , L . le probleme de la philosophie Musulmane , Paris, 1959.
- Mieli , M. La Science arabe , Leiden, 1993.

در بعضی آثار پژوهشی غربی ، کتاب " فصوص الحکمه " اثر معروف فارابی به ابن سینا

نسبت داده شده ، البته دلایلی که اقامه شده کافی بنظر نمی رسد . در این مورد مراجعه شود به :

**Ibn Sina et l' auteur de la Risalat al-Fusus Fi-I-Hikma, 1951** در مجله

مطالبات اسلامی صفحه ۱۲۴-۱۲۲ نوشته S.Pimes که در آن بعلت اینکه در بعضی نسخ آن را

به ابن سینا نسبت داده اند در اصل ابن سینائی بودن آن اصرار می ورزد . البته غیر از این مقاله

قبلاً در سال ۱۹۴۶ میلادی خلیل جر تحقیقی را با عنوان

**Farabi est-il l'autun de Fususal – hikma?** در صفحه ۳۹-۳۱ مجله مطالعات اسلامی

به چاپ رسانیده و مدعی شده است که احتمالاً یکی از شاگردان فارابی این رساله را به رشته

تحریر کشیده است. اما بهرحال نتیجه نهائی تحقیق هر چه باشد ، شک نیست که این کتاب یکی

از اساسی ترین جنبه های نوشته های فارابی است و شخصیت و مقام او را که از قرنها به این

طرف در مشرق زمین فهمیده و تحقیق شده ، نشان می دهد.

اکنون به شرح گزیده مشخصات کارهای تحقیقی و ترجمه هائی که از آثار ابن سینا تا

پایان قرن انجام شده است می پردازیم.

۱- کتاب "شفا" (به لاتین *Sufficientia*) مفصل ترین دایره المعارف علمی است که در همه زبانها به دست یک نفر نوشته شده است. بخش منطقی از این کتاب بین سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۳ به مناسبت هزاره تولد ابن سینا زیر نظر ابراهیم مدکور و به کوشش شماری از محققان دیگر در قاهره منتشر شده است. البته آقای مدکور متن کامل شفا را نیز جزء به جزء در قاهره بتدریج منتشر کرده است.

بخش "برهان" از منطق "شفا" جداگانه به کوشش عبدالرحمن بدوی در قاهره در سال ۱۹۵۴ م و چاپ دوم آن در سال ۱۹۶۶ منتشر شده است. متن عربی و ترجمه فرانسوی بخش روانشناسی، "کتاب النفس" شفا را «یان باکوش» *J. Bakos* در دو جلد در سال ۱۹۵۶ م در پراگ و متن عربی آن را فضل الرحمن در آکسفورد منتشر کرده است. ترجمه قدیمی لاتینی آن نیز برای نخستین بار در سال ۱۵۰۸ م در ونیز ایتالیا و چاپ انتقادی جدید آن ترجمه به کوشش سیمون فان ریت در دو جلد زیر عنوان "ابن سینای لاتینی، کتابی درباره روان" در لوون سویس در سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ م با مقدمه ای درباره نظریات روانشناسی ابن سینا از "ج. وربکه" با مشخصات زیر منتشر شده است:

**Avicenna Latinus, Liber de animo, Edition critique  
Par Simon Van Riet, Louvain, 1968-1972.**

چاپ انتقادی جدید ترجمه لاتینی "الهیات" شفا نیز به کوشش سیمون فان ریت با مقدمه ای از وربکه در دو جلد (که جلد اول مقاله ۱-۴ و جلد دوم مقاله ۵ به بعد را در بر می گیرد) در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۰ م با مشخصات زیر در لوون سویس انتشار یافته است:

**Avicenna Latinus, Liber de philosophia prima sive scientia,  
Edition critique par S. Van Riet, introduction par G. Verbee, 1977-80**

۲- کتاب "النجاه" که مطالب آن مختصر و گزیده ای از مطالب شفاست، از مهم ترین نوشته های ابن سیناست که فشرده فلسفه وی را دربردارد، نخستین بار در سال ۱۳۳۱ق / ۱۹۱۳ م به کوشش محی الدین صبری الکردی و بار دوم در سال ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸ م در قاهره منتشر شده است. بخش الهیات آن بوسیله نعمت الله کرم به لاتینی ترجمه و در سال ۱۹۶۸ م در رم با مشخصات زیر منتشر شده است:

**Nematallah Caram, Metaphysics compendium, Roma, 1962.**

ترجمه انگلیسی بخش "نفس (روانشناسی) آن نیز بوسیله فضل الرحمن در کتابی با عنوان "روانشناسی ابن سینا" با مشخصات زیر نخست در ۱۹۵۲ م و بار دوم در سال ۱۹۸۱ م در لندن منتشر شده است:

**F.Rahman , Avicenna's Psychology, London , 1981.**

۳- الهیات (مابعد الطبیعه) ابن سینا مختص به وجود شناسی است و بحث در وجود و مشخصات آن در پژوهشهای مابعدالطبیعه وی نقش عمده ای دارد. آقای دکتر سیدحسین نصر در این باب مقاله تحقیقی جالبی با عنوان: **Polarization of Being** در مجله: **Pakistan Philosophical journal** شماره ۳، صفحات ۸-۱۳، اکتبر ۱۹۵۹ م منتشر کرده است.

از سوی دیگر ابن سینا برای ایجاد توافق میان جهانشناسی خود و نظرهای اسلامی و "مشرقی" گام دیگری برداشته و پیدایش حلقه های مختلف را در سلسله وجود با حروف الفبای عربی بیان کرده است. کلمات و حروفی که آن کلمات را می سازد، حکمت اسلامی و نیز و مکتبهای عرفانی - یهودی رمزهای ملموس و فصیح اسماء و صفات الهی و ارباب الانواع اشیاء هستند که از آنها جهان بوجود آمده است، در نتیجه از لحاظ یهودیان و نیز مسلمانان، که معنویت آنان همان معنویت سامیان صحرا گرد است، علم حروف و ارزش رمزی آنها اهمیت فراوان پیدا کرده است، خواه به صورت - "قباله" در یهودیت باشد، خواه به صورت "جفر" در اسلام. در این باب لوئی ماسینیون محقق فرانسوی در مقاله ای با عنوان «فلسفه مشرقی ابن سینا و الفبای فلسفی وی» مندرج در: **Mémorial d'Avicenne** (قاهره، ۱۹۵۹) بیش از هر شرق شناس دیگری متوجه اختلاف میان طرز تلقی سامیان و یونانیان نسبت به زبان شده و به اثر نفسانی کلمات ملفوظ در روح مسلمانان پی برده و از سه گونه ارزشی که نژاد سامی برای الفبای ابتدائی قائل بوده اند، سخن گفته است: یکی ارزش صوتی، دیگری ارزش از لحاظ معنی (که ارتباط نزدیک با طرز نگرش آنان نسبت به "اندیشه های" وابسته به کلمات دارد) و سوم ارزش حسابی که برای هریک از آنها مقداری عددی معین می کند.

مساله قابل توجه دیگر در فلسفه ابن سینا، نظریه جالب توجه وی در موضوع "تَبَوُّت" است، چون در آن کوشیده است تا یک نظریه فلسفی موافق با تعلیمات قرآن طرح بریزد که در

عین حال با نظر وی درباره جهان سازگار باشد. در این مورد و بطور کلی در مورد نبوت در اسلام، بخصوص در آثار فارابی و ابن سینا در سال ۱۹۵۸ میلادی کتابی با عنوان:

### **Prophecy in Islam-philosophy and Orthodoxy**

توسط **F.Rahman** در لندن منتشر شده است که در آن این مساله مهم به صورت شایسته ای مورد بحث قرار گرفته است.

۴- ابن سینا در ریاضیات، نجوم و موسیقی صاحب نظر بوده و آثاری در این باب تصنیف کرده است. وی در بخش بزرگی از شفا را به این موارد بخصوص موسیقی اختصاص داده است. نظریه های وی در موسیقی و تاثیر او در این باب، زمینه تحقیقات متعددی را در مغرب زمین فراهم آورده که بیشتر مربوط به قبل از سال ۱۹۵۲ میلادی است و در کتاب شاد روان سعید نفیسی مشخصات کتابشناسی آنها آمده است. در اینجا ما فقط اشاره می کنیم به آثاری که بعد از این تاریخ در باب رساله های موسیقی و ریاضی و نجوم ابن سینا در جهان چاپ و منتشر شده است:

- Farmer, Henry George, *The Luth scale of Avicenna, Studies Oriental Music, Vol II : Instrument and Military Music*, Glasgow 1934 (vide idid) ed. Sezgin, Frankfurt 1986.

-Krause, Max, *Stambuler Handschriften islamischer Mathematiker, Quellen und studien zur Geschichte der Mathematik, Astronomie und Physik* 1963

-Cornut, Guy, *La Voix*, Paris 1983.

-Dozy, R. *Supplement aux Dictionnaires arabe*, Beyrouth 1968.

-Baron d'Erlanger, *La Musique arabe*, vol II, p. 105 et suit, Paris 1965.

-ابن سینا، جوامع علم الموسیقی، الشفاء، به کوشش زکریا یوسف، قاهره ۱۳۷۶ق/ ۱۹۵۶م.

- دانش پژوه، محمد تقی، نمونه ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی در غناوموسیقی، تهران، ۱۳۵۵. ضمناً آقای دکتر مهدی برکشلی نیز مقاله جالبی با عنوان "موسیقی ابن سینا" در کتاب "هزاره ابن سینا"، جلد دوم ص ۴۷۷-۴۶۶، سال ۱۳۳۲ به چاپ رسانیده اند.

۵-الاشارات و التنبیها، ظاهرأ آخرین نوشته ابن سینا و از برجسته ترین آثار اوست.

نثر عربی ادبی شیوا از ویژگیهای آن است. نخستین بار به کوشش ژ.فورژه **J. Forget** در



۱۸۹۲ م در لیدن و دومین بار در سه جلد (چهار بخش) همراه با شرح نصیرالدین طوسی بر آن، به کوشش سلیمان دنیا میان سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ م در قاهره منتشر شده است. ترجمه فرانسوی آن به وسیله ابن سینا شناس فرانسوی آن ماری گواشون با شرح و توضیح در سال ۱۹۵۱ م بامشخصات زیر در پاریس انتشار یافته است:

**Goichon, Anne Marie, Avicenne, le Livre des direction et remarques, Paris 1953.**

۶- کتاب "الانصاف" نوشته بزرگی بوده است که به گفته خود ابن سینا نزدیک به ۲۸ هزار مساله را در بر می گرفته است. تنها دست نوشته آن در حمله مسعود غزنوی به اصفهان به تاراج رفت. ابن سینا به گفته خودش قصد داشته است که اگر فرصتی و فراغتی یابد، آن را دوباره بنویسد اما ظاهراً به این کار موفق نشده است. پاره هائی از این نوشته را عبدالرحمن بدوی یافته و در مجموعه ای با عنوان: "ارسطو عند العرب" در سال ۱۹۴۷ م در قاهره منتشر کرده و چاپ دوم آن در سال ۱۹۷۸ م در کویت منتشر شده است.

۷- منطق المشرقیین ، نخستین بار در سال ۱۹۱۰ م در قاهره و سپس در ۱۹۸۲ م در بیروت چاپ و منتشر شده است.

۸- عیون الحکمه، به کوشش عبدالرحمن بدوی ابتدا در قاهره در ۱۹۵۴ م و سپس در کویت ۱۹۷۸ م منتشر شده است.

۹- اف. مرن از ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۹ برخی نوشته های ابن سینا را در چهار جزء همراه با ترجمه آزاد فرانسوی آن تدوین و بامشخصات زیر در لیدن منتشر کرده است:

**A.F. Mehren, Traites Mystiques d' Avicenne, Leiden 1897.**

در این مجموعه این نوشته ها یافت می شود: رساله "حی بن یقظان" (در جزء یکم). رساله "الطیر" (در جزء دوم)، رساله "فی ماهیه العشق" و "رساله فی ماهیه الصلاه و رساله" فی معنی الزیاره " (هر سه در جزء سوم)، رساله فی القدر" (در جزء چهارم).

رساله "حی بن یقظان" بار دیگر در سال ۱۹۵۲ میلادی به کوشش هانری کربن ایران شناس فرانسوی تدوین و همراه ترجمه و شرح قدیم فارسی و ترجمه فرانسوی آن در تهران منتشر شده است. همین محقق در سال ۱۹۵۴ م در نوشته دیگری با عنوان "ابن سینا و تمثیل عرفانی ، مطالعه

ای در باب ساسله تمثیلهای ابن سینا" با مشخصات زیر به تحلیل و پژوهش درباره مسائل عرفانی یابن سینا پرداخته است:

**Corbin, Henri , Avicenne et le Recit visionnaire, I, le recit de Hayyibn Yaqzan, Teheran 1952. Id, Avicenne et le recit visionnaire, Teheran 1954.**

آن ماری گواشون نیز در سال ۱۹۵۹ م ترجمه فرانسوی همراه با یک شرح پژوهشی درباره رساله "حی بن یقظان" با مشخصات زیر در پاریس منتشر کرده است:

**Goichon, A.M, le Recit de Hayyibn Yaqzan , commente par des texts d' Avicenne, Paris 1959.**

این دو تن پژوهشگر فرانسوی که از محققان برجسته معاصر در عرفان و فلسفه اسلامی می باشند، درباره بینش و گرایش عرفانی ابن سینا دو برداشت کاملاً مختلف و متضاد دارند. خانم آن ماری گواشون در پژوهش خود درباب رساله حی بن یقظان، هرگونه تفسیر عرفانی، باطنی و غنوصی (گنوستیک)\* از این اثر را منکر می شود و می کوشد که مضمون این رساله را به یاری

---

\*فهم فلسفه افلاطونیان جدید و دیگر نهضت‌های فلسفی ودینی که از آن پس پدید آمد و در آراء و اندیشه های متفکران اسلامی و نیز بی تاثیر نبود و از ظهور مسیحیت تا اوایل قرن شانزدهم تطوّر یافت، بدون تحقیق در آراء گنوسیها - ولو بطور سطحی - امکان نخواهد یافت. قرن دوم میلادی شاهد یک جنب و جوش عظیم فکری و دینی بود، که در تاریخ همانندی نداشته است. انسان سرگردان خواستار اتصال به خدا بود و برای وصول به این مقصود تلاش می کرد. غایت مقصود، علم به وجود خدا، یا اقامه دلیل عقلی برای اثبات وجود خدا نبود، بلکه هدف اصلی و آرمان واقعی، وصول به یک معرفت گنوسی (شهودی و عرفانی) بود. و این معرفت تنها از یک راه حاصل می شد، یعنی راه شهود باطنی وصول به خدا و اید حقیقی با او. اندیشه های گنوسی، نخستین بار، قبل از مسیحیت در عقاید مردم مشرق زمین، در نتیجه یک سلسله اضطراب دینی پدیدار شد، و در فلسفه یونان مخصوصاً افلاطونیان و وراقیان و فیثاغوریان انعکاس یافت. اندیشه های گنوسی چون با مسیحیت برخورد کرد - با همه اختلافات دینی و فکری که داشتند - با آن در آمیخت. در واقع آئین گنوسی حد و مرز مشخصی ندارد. بلکه مجموعه ای است از مذاهب گوناگون که تنها در برخی چیزها اشتراک دارند، ولی همه به جانب یک هدف رواند: که از وحی الهی "گنوس" یا معرفت و شهودی به وجود آورند که بتواند انسان را با خدا متحد کند.

نوشته های عمده فلسفی ابن سینا توضیح دهد و با استناد به گفته شارح فارسی رساله "حی بن یقظان" (که احتمالاً جوزجانی شاگرد وی بوده است) به این نتیجه می رسد که: "همه معانی متن ، اگر جمله به جمله و غالباً واژه به واژه مقابله می شدند ، می توانستیم آنها را در آثار فلسفی ابن سینا ، آثار چاپ شده معروف بیابیم . من در همه اینها نشانی از غنوصی نمی یابم" (گواشون ، تمثیل یا گزارش حی بن یقظان ، صفحه ۹).

اما از سوی دیگر ، هانری کرین ، پژوهشگر برجسته دیگر فرانسوی ، به ویژه در عرفان اسلامی که در کنار پژوهشهای ارزشمند خود درباره فلسفه و عرفان اسلامی ، دلبستگی ویژه ای به عرفان ایرانی دارد ، به نوبه خود رساله "حی بن یقظان" را ویراسته ، به فرانسه ترجمه کرده و درباره آن و دو نوشته تمثیلی دیگر ابن سینا (رساله طیر و سلامان و ابسال) به پژوهش تاویلی عرفانی - غنوصی ویژه ای پرداخته است و به نتایجی کاملاً متضاد با نتیجه گیریهای گواشون رسیده است (ابن سینا و تمثیل و عرفانی ، مطالعه درباره سلسله تمثیلهای ابن سینا ، پاریس ۱۹۵۴). کرین در پیروی از روش ویژه خود در بررسی آثار عرفانی - تمثیلی ، پیش از هر چیز به شارحان حی بن یقظان ابن سینا خرده می گیرد و می گوید که "ایشان یک نقص مشترک دارند و آن اینکه می کوشند نمادها (سمبلهای) ابن سینا را به یاری یک "کُد" کشف رمزکنند و به نحوه اداری کاملاً مختلف که داده های خیالی یا حسی را در می یابد و آنها را به صورت نمادها تغییر شکل می دهد ، توجه ندارند . به جای اینکه داستان را به صورت تغییر شکل یا استحال اندیشه ای آن در نظر گیرند ، آن را به اصطلاح به عقب بر می گردانند و ادراکهای سمبلیک را در شواهد و قضایای شناخت طبیعی (شناختی که در رساله های تعلیمی یافت می شود) باز می گردانند . در حالی که می کوشند که نمادها (سمبلها) را به شواهد عقلانی دوباره دگرشکل کنند ، با این کار آنها را تا مرتبه استعاره ها تنزل می دهند (ابن سینا و تمثیل عرفانی ، ۱/۱۷۴).

در اینجا یاد آور شد که کرین میان نماد (سمبل) و استعاره (آلگوری) فرق می نهد . وی در

کتاب خود با عنوان: "خیال خلّاق در تصور ابن عربی :

---

برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به : حنا الفاخوری - خلیل الجر ، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، چاپ سوم ، ۰۱۳۷۶ ، صفحات ۷۸-۸۱ . هم چنین مراجعه شود به : دایره المعارف بزرگ اسلامی ، جلد چهارم ، صفحات ۲۵-۲۸ .

**L' imagination creatrice dans le Sufisme d'Ibn Arabi , Paris 1956.**

متقد است که فرق بنیادی میان استعاره و نماد وجود دارد و این تفاوت در این است که "اولی یک عمل عقلانی است که نه گذرگاهی به یک پهنه نوین از هستی را در بر دارد ، نه گذرگاهی به یک پژرفای نوین آگاهی. تجسمی است در همان سطح از آگاهی ، از آنچه می تواند قبلا به نحو دیگری کاملا شناخته شده باشد . اما نماد (سمبل) از پهنه دیگر آگاهی خبر می دهد، غیر از بداهت عقلی ، این "رمز" یک راز است ، تنها وسیله برای گفتن چیزی که به نحو دیگری نمی تواند فهمیده شود ، هرگز یک بار برای همیشه "توضیح داده شده" نیست ، بلکه همراه باید آن را از نو رمز گشائی کرد همان گونه که یک قطعه کامل موسیقی یک بار برای همیشه رمزگشائی نمی شود ، بلکه همیشه اجرائی نوین را طلب می کند (خیال خلاق ، صفحه ۱۳). روش دیگری که کربن در تفسیر عرفانی آثار ابن سینا به کار می گیرد ، روش "تاویل" است ، آنهم نه تاویل یک متن ، بلکه آنچه که خودش آنرا "تاویل روح" می نامد (ابن سینا و تمثیل ۱/۱۷۹). کربی با این پیش فرضها ، به تفسیر حی بن یقظان و نوشته های تمثیلی دیگر ابن سینا می پردازد و تصویری از آنها به دست می دهد که با تفسیر شارحان دیگر از جمله شاگردان ابن سینا ، به کلی متفاوت است . اکنون می توان پرسید که آیا ابن سینا واقعا دارای اندیشه های غنوصی "گنوستیک" بوده است ؟ اکثریت پژوهشگران این موضوع را رد می کنند و معتقدند که ابن سینا فیلسوفی عقل گراست . اگر هم بتوانیم نزد وی از "عرفان" سخن بگوئیم ، این یک عرفان عقل گرایانه (راسیونالیست) است ، عرفانی است زائیده مستی عقل ، عقلی که از محدودیتهای وجودی خود آگاه می شود و بر آشفته می گردد ، می کوشد گریبان خود از چنگ "مقال" برهاند و به "خیال" پناه برد ، زیرا شناخت حقیقی از راه گفت و گو و آموختن دست نمی دهد ، بلکه از راه "مشاهده" دست یافتنی است. پس باید از "رسیدگان به عین" شد ، نه از "شنوندگان اثر" (ابن سینا ، الاشارات ۸۴۱/۳-۸۴۲ با شرح خواجه نصیر).

البته یافتن این گونه تعبیرات نزد ابن سینا شگفتی ندارد ، زیرا وی در متن بینش عقلانی فلسفی خود نیز به گونه ای "نمی دانمی" (آگنوستی سیتم) می رسد و تا مرز باصطلاح گونه ای "پدیده گرائی" (فنونالیسم، عینی در فلسفه دوران های جدید پیش می رود . یعنی آن گرایشهای فلسفی که شناخت انسانی را محدود به داده های حسی ، یعنی جهان پدیده ها می کند ، هر چند

حقیقت و واقعیت آنها را منکر نمی شود ، بلکه فقط آنها را ناشناختنی می شمارد (فنونالیسم ابژکتیو).

در پیوند با خداشناسی ابن سینا ، ما به گفته ژرف و شگفت انگیزی از او بر می خوریم که می گوید: ”عقلهای انسانها کنه حقیقت نخستین (یعنی خدا را ) ادراک نمی کنند . او را حقیقتی است که نزد ما نامی برای آن نیست ، زیرا در او ، بدون میانجی لازم دیگری یافت می شود هم چنین یکتائی (وحدت) نیز از ویژه ترین لازمهای اوست زیرا وحدت حقیقی از آن اوست و آنچه جز اوست ، دارای چیستی و هستی (ماهیت و آیت) است“ (التعلیقات ، ۱۸۵-۱۸۶).

موضوع قابل ذکر دیگر اینکه داستانهای تمثیلی و رمز آمیز مولفان مسلمان در موضوعات فلسفی و عرفانی و اخلاقی مثل داستان حی بن یقظان ، سلامان و ابسال و الطیر از ابن سینا ، با آنکه در اصل از انواع ادبی رایج در میان ملل پیشین و نمونه های ایرانی و هندی ، ملهم و متأثر بوده است ، در دوره های بعد به مغرب زمینی راه یافته و در برخی از این گونه آثار مولفان مسیحی و یهودی موثر افتاده است . حتی دانته شاعر بزرگ ایتالیائی ، در تصنیف ”کمدی الهی“ به این گونه آثار مولفان مسلمان نظر داشته است. در این مورد می توان مراجعه کرد به :

**Asin Polacios, Islam and the Divine Comedy.tr. Sunderland, London 1926.**

۱۰- در مورد آثار فارسی ابن سینا و کلمات و واژه های اصیل زبان دری که در این گونه آثار خود به کار برده ، نیز محققان پژوهشهایی ارائه داده اند که از جمله می توان به آثار زیر مراجعه کرد:

- نفیسی ، سعید ، آثار فارسی ابن سینا ، مجله مهر، ۱۳۱۶ ش ، سال چهارم ، شماره دوازدهم.

- معین ، محمد ، لغات فارسی ابن سینا و تاثیر آنها در ادبیات ، به کوشش مهدخت معین ، تهران ، ۱۳۶۷ ش . هم چنین کتاب جالب پروفیسور هانری ماسه محقق فرانسوی با مشخصات زیر :

**Masse , Henri , Termes philosophiques de langue persane employé par Avicenne , le livre demillenair d'Avicenne , Teheran 1956.**

۱۱- و اما "القانون فی الطب" کتاب مشهور ابن سینا در پزشکی ، طی چندین سده ، چه در سرزمینهای اسلامی و چه در اروپای سده های میانه ، همه کتابهای پزشکی دیگر را در سایه خود نهاده بود . یکی از نشانه های ویژه قانون شرحهای فراوانی است که بر آن از سوی پزشکان طی قرنهای نوشته شده است ، به این شرحها باید تلخیصها و حواشی بسیار بر آن کتاب را افزود . مشهور ترین مختصرهای آن "موجزالقانون" از علاءالدین علی بن ابی الحزم قُرشی معروف به ابن نفیس (در گذشته به سال ۶۸۷ قمری / ۱۲۸۸م) است. وی افزون بر این موجز، شرح بزرگی هم قانون نوشته بوده است که بخشهایی از آن ، همچون کتاب مستقلی به صورت خطی موجود است.

متن عربی قانون نخستین بار در سال ۱۵۹۳ م در رم و سپس در ۱۳۹۰ ق در قاهره و در ۱۳۲۴ ق در لکنهو چاپ و منتشر شده است. ترجمه لاتینی آن بوسیله "کراردوس کرمونایی G. cremonensis" در سده ۱۲ میلادی انجام گرفته و چندین بار در ایتالیا به چاپ رسیده است. در باب تأثیر آثار پزشکی ابن سینا بخصوص کتاب القانون، در ایتالیا و آموزش آن در دانشگاههای این کشور از سال ۱۵۰۰ م به بعد ، پژوهش جالبی در سال ۱۹۸۷ توسط "ان. جی. سی ریزی" با مشخصات زیر در امریکا به چاپ رسیده است:

**Sirais.N.G., Avicenna in Renaissance Italy  
The Canon and medical teaching in Italian universities after 1500 ,  
Prinston 1987.**

ضمناً مقاله اول کتاب قانون توسط پزشک مشهور کانادائی "او. گرونر" به انگلیسی ترجمه و مندرجات آن با افکار طبی متاخرتر مقایسه شده است:

**Gruner.O, A Treatise on the Canon,  
Of medicin , incorporating a translation of the first book, Londno,  
1930**

ابن سینا افزون بر قانون، چند نوشته دیگر نیز در پزشکی دارد که مهمترین آنها عبارتند از ، "الارجوزه فی الطب" که در قالب شعر نوشته شده و ۱۳۲۶ بیت را در برمی گیرد. ابن سینا در این اثر خلاصه مطالب قانون را آورده است. متن ارجوزه همراه با ترجمه فرانسوی و نیز لاتینی آن از سده ۱۳ میلادی به کوشش هانری ژائیه و عبدالقا در نورالدین با مشخصات زیر در سال ۱۹۵۶ میلادی در پاریس منتشر شده است:

**Jahir , Henri , Avicenna , Poème de medicine,  
Cantica Avicenna , Paris 1956**

لازم به ذکر است که " ارجوزه" نام عمومی کتابهایی است که در علوم مختلف به شعر سروده شده تا بتوان آنرا از برکرد. دو مترجم لاتینی این کتاب " آرمنکو دوبلز" و "آلیاگوس" آن را به ترتیب " کانتی کوم" و " کانتی کا" نامیده اند. ابن رشد نیز شرح کاملی بر این کتاب نوشته که آن نیز به لاتینی ترجمه شده است.

کتاب قانون طی دوران سده های میانه ، معتبرترین متن برای آموزش پزشکی در دانشگاههای - مونیخ و لوون بوده و تا ۱۶۵۰ م نیز در دانشگاهها تدریس می شده است. این کتاب در نیمه آخر قرن پانزدهم ۱۶ بار و در قرن شانزدهم بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ گردیده است. ترجمه روسی متن کامل قانون نیز در ۵ جلد ( ۶ بخش ) در فاصله سالهای ۱۹۵۴-۱۹۶۰ م در تا شکند منتشر شده است.

## گزیده منابع و مأخذ فارسی \*

- ۱- اربری ، آرتورجان ، مرد شرق از نظر فلاسفه غرب (زندگی ابن سینا ) ، ترجمه محسن بیبا ، تهران ، ۱۳۳۳.
- ۲- ابن طفیل ، زنده بیدار (حی بن یقظان) ، ترجمه بدیع الزمان فروزانفر ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ، ۱۳۳۴.
- ۳- جشن نامه ابن سینا ، یادگار جشن هزاره ابن سینا ، انتشارات انجمن آثار ملی ، چهار جلد ، تهران ، ۱۳۳۱.
- ۴- جنیدی ، فریدون ، کارنامه ابن سینا ، ابن سینا ، انتشارات بنیاد نیشابور ، تهران ، ۱۳۶۰.
- ۵- حنا الفاخوری ، خلیل الجر ، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، انتشارات انقلاب اسلامی ، تهران ، ۱۳۶۷.
- ۶- دائره المعارف بزرگ اسلامی ، جلد چهارم ، ابن سینا - ابن میسر ، انتشارات دائره المعارف بزرگ اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۰.
- ۷- کرین ، هانری ، حی بن یقظان ، ترجمه و شرح فارسی منسوب به جوزجانی ، تهران ، ۱۳۶۶.
- ۸- مهدوی ، صادق ، حجه الحق ابوعلی سینا ، کتابخانه ایران ، تهران ، ۱۳۳۰.
- ۹- نصر ، دکتر سید حسین ، سه حکیم مسلمان ، ترجمه احمد آرام ، انتشارات قرانکلین ، تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۵۲.
- ۱۰- نیکلسون ، ر. تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا ، ترجمه دکتر شفیع کدکنی ، تهران ، ۱۳۷۲.
- ۱۱- یابوده هزاره ابن سینا ، ترجمه سعید نفیسی با مقدمه محمود تفضلی ، کمیته ملی هزاره ابن سینا ، تهران ، ۱۳۳۱.

\* - در این فهرست تنها مشخصات منابع فارسی ذکر شده است . مشخصات منابع خارجی در متن مقاله مندرج است.